

علم أصول الفقه

۲۸

۹۱-۱۰-۴ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- در نظریه قبض و بسط نه معنای خاصی از فهم اراده شده و نه بهتر بودن فهم معلوم گشته است. «فهم» و «بهتر» دایم به معانی مختلفی به کار رفته است. اما وقتی در مجموع، تمامی عبارات حول این مطلب را با همدیگر مقایسه می‌کنیم، نمی‌توانیم به «بهتر شدن فهم به معنای تکامل معرفت» دست یابیم. بهتر، صفتِ صاحب معرفت است نه صفتِ خود معرفت.
- ر.ک: مهدی هادوی تهرانی، مبانی کلامی اجتهاد، صص ۳۶۱ - ۳۶۴.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- آیا تکامل «دانسته‌ها» امکان دارد؟
- پیش از این که به پاسخ این پرسش پردازیم نخست لازم است به دو اصطلاح دیگر در باب علم توجه کنیم (۳۶):
- ۱ - مطلق علم و فهم، چه مطابق با واقع باشد و چه غیر مطابق با آن. یعنی: هر آنچه به نام صورت ذهنی در معرفت اشخاص پدید می‌آید (جهان دوم پویری) یا به صورت یک گزاره و مطلب در بازار دانش‌ها عرضه می‌شود (جهان سوم پویری).

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- در این معنا مطابقت این «دانسته» با واقع ملحوظ نیست و حتی مطالب نادرست و خلاف واقع را نیز شامل می‌گردد. البته این «دانسته» گاهی به صورت مبهم و اجمالی و زمانی دیگر به صورت شکافته شده و تفصیلی می‌باشد. مثلاً وحدت باری تعالی یک فهم و دانسته‌ی مبهم، ولی وحدت حقّی الهی، یا وحدت عددی الهی - هر چند خطاست - یک فهم و دانسته‌ی تفصیلی می‌باشد.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- ۲ - خصوص فهمی که مطابق با واقع باشد. یعنی: خصوص آن صورت ذهنی (در جهان دوم پوپری) یا گزاره و مطلب عرضه شده در بازار معارف (جهان سوم پوپری) که صادق و مطابق با واقع باشد. در این اصطلاح، دانسته‌های خطا و باطل، از قلمرو علم خارج می‌باشند و جهل مرکب تلقی می‌شوند. در اینجا نیز این فهم گاهی یک فهم صادق مبهم و اجمالی و زمانی یک فهم صادق تفصیلی می‌باشد. مثلاً فهم وحدت باری تعالی - به صورت اجمال - یک فهم مطابق با واقع است، چه این که فهم تفصیلی وحدت حقه‌ی الهی نیز همین طور می‌باشد. بلی، فهم تفصیلی وحدت عددی الهی، یک فهم غیر مطابق با واقع، و به بیان دیگر: جهل مرکب، است.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- حال پس از بیان دو اصطلاح مزبور، این سؤال مطرح می‌شود که مقصود از «به سوی بهتر شدن یک فهم»، یا تکامل یک دانسته، چیست؟ آیا مراد، فهم و دانسته به معنای مطلق است، یا آن که خصوص دانسته‌های صادق و مطابق با واقع مورد نظر می‌باشد؟ همچنین مقصود از تکامل چیست؟ آیا مقصود، نزدیک‌تر شدن یک دانسته به واقعیت است؟ یا آن که مراد، شکافته شدن دانسته‌های اجمالی و تبیین و توضیح یافتن آنها می‌باشد؟ یا این که فرضاً سپری شدن دوران مصرف و اعتبار دانسته‌های پیشین و جایگزینی دانسته‌های جدید به جای آنها مورد نظر است؟ و یا آن که اساساً کشف خطاهای گذشته و بر ملا شدن کذب دانسته‌های پیشین و جایگزین شدن دانسته‌های صادق به جای آنها را تکامل می‌نامیم؟

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- بنابراین معنای اول - مطلق دانسته، چه مطابق با واقع و چه غیر مطابق - آنچه در سیر تفکر انسان، یا جریان عمومی دانش‌ها رخ می‌دهد، تنها افزایش کمی معلومات است و مسئله تحول کیفی و تکامل دانسته‌ها، معنای محصلی ندارد. حتی آنجا که فهم پیشین، یک فهم اجمالی و سربسته (۳۷)، و فهم پسین، یک فهم تفصیلی و شکافته شده باشد، باز اگر چه به فرض، جریان این فهم را به لحاظ شکافته شدن و تفصیل و توضیح، یک جریان تکاملی بنامیم (۳۸)، ولی در کرسی اعتبار و ارزش‌گذاری و ترازوی درستی فهم، تفاوتی بین دانسته‌ها نخواهد بود، چرا که این ارزش‌گذاری - که هدف تئوری قبض و بسط می‌باشد - ما را از علم در اصطلاح اول، به علم در اصطلاح دوم خواهد کشاند و اینجا سخن از تکامل دانسته مطرح نخواهد بود، بلکه سخن بر سر کذب و ناهم بودن آن و جایگزینی دانسته‌ی کاذب خواهد بود.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- بلی، اگر کسی صدق و کذب را امری مشکک فرض کند و نزدیک تر شدن به واقعیت - یعنی صحت و صدق - را امری ممکن بداند، یا اعتبار علوم را در کارآیی و سودمند بودن آنها بشمارد، می تواند تکامل یک دانسته - به لحاظ اعتبار - را به تصویر کشد.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- ولی همچنان که در بحث قبلی اشاره شد، امر اول باطل است و امر دوم نیز که اساس مکتب پراگماتیسم را تشکیل می‌دهد، هر چند در علوم تجربی - به معنای عام آن - درست باشد، ولی در سایر علوم به ویژه فلسفه، کلام، و حوزه‌ی معرفت دینی جایگاهی ندارد. چرا که در این قلمروها، آنچه که مورد نظر است، اثبات صحت، صدق و مطابقت گزاره‌ها و دانسته‌ها با واقع، می‌باشد.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- بنا بر معنای دوم نیز - یعنی خصوص دانسته‌ی صادق - به همان دلایلی که در معنای اول ذکر گردید، تکامل دانسته امری ناشدنی است چرا که اگر دانسته‌ای صادق باشد، برای همیشه صادق است و اگر کاذب باشد، برای همیشه کاذب خواهد بود. و جایگزینی فهم صادق به جای فهم کاذب نیز هرگز تکامل دانسته‌ی پیشین محسوب نمی‌شود.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- در این میان احتمال دیگری وجود دارد و آن این که در خصوص یک متن و گزاره‌های آن بگوئیم که معانی الفاظ در بستر تاریخ و جریان سنت - آن هم اگر جریان تکاملی داشته باشد - عوض می‌شوند و فهم صادق هر عصری فقط مربوط به آن عصر است و در زمان دیگر معانی دیگری مورد نظر می‌باشد. به بیان دیگر: هر دانسته‌ی صادق و معنای درستی که از یک متن به دست می‌آید، فقط مربوط به زمان خاصی است و در زمان بعد، معنای دیگری به عنوان معنای متن و مراد مؤلف به وجود خواهد آمد (۳۹).

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- این احتمال که مبتنی بر هرمنوتیک گادامری، با افزودن عنصر تکامل به سنت است، همچنان که در مباحث «هرمنوتیک» به تفصیل گذشت - مطلب ناصوابی می باشد، زیرا حکمت زبان از یک سو و حکیم بودن گوینده از سوی دیگر، ما را به این نتیجه می رساند که گوینده مراد معینی از گفتار خود دارد، که همان معنای نهایی متن تلقی می شود.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- البته در نظریه‌ی قبض و بسط برای حل این معضل بین «معنا» و «مراد» فرق گذاشته شده و آمده است: «وقتی سعدی می‌گوید:
- برگ درختان سبز، پیش خداوند هوش
- هر ورقی دفتری است، معرفت کردگار
- مراد سعدی را جز با مراجعه به جهان‌بینی او و تئوری‌های عصر او و خداشناسی و گیاه‌شناسی و ... او نمی‌توان یافت. اما همین بیت را در پرتو تئوری‌های نوین هم می‌توان معنا کرد و درک عمیق‌تری از آن داشت که در ذهن سعدی هم نمی‌گنجیده است (۴۰)».

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- ولی این تفکیک مشکلی را حل نمی‌کند، زیرا معنای سخن همان مراد گوینده است و اگر ما چیزی از سخن استفاده کنیم که در ذهن گویند نمی‌گنجیده، این معنای سخن ما می‌تواند باشد، ولی هرگز معنای سخن آن گوینده نیست.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- حاصل نقد
- با توجه به مجموع آنچه در بررسی ارکان نظریه بیان شد، معلوم می‌گردد:
- اولاً: نمی‌توان اثبات نمود همه‌ی معارف با هم ارتباط دارند، بلکه نهایتاً برخی از آنها با هم مرتبطند.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- ثانیاً: نمی‌توان ادعا کرد معارف بشری به سمت تکامل و کمال به معنای حقیقی کلمه، حرکت می‌کنند. برخی انسان‌ها نسبت به دیگران از فهم بهتری (به یکی از معانی فهم بهتر) برخوردار هستند؛ اما این، یک جریان قهری و ضروری در معرفت بشری نیست. این گونه نیست که فهم آیندگان، فهم کامل‌تر، دقیق‌تر و... از فهم گذشتگان باشد. خود معرفت نیز - صرف نظر از صاحب معرفت - از این ویژگی برخوردار نیست که در مرحله‌ی متأخر تقدم بر مرحله‌ی متقدم داشته باشد.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- ما در طول تاریخ در بعضی معارف بشری شاهد پیشرفت نظریه‌های متأخر نسبت به نظریات متقدم بوده‌ایم؛ اما این جریان در تمامی معارف بشر نبوده است. به طور مثال در ابتدا با ظهور طب جدید، دانسته‌های طب قدیم باطل اعلام شد؛ اما پس از گذشت مدتی طب قدیم به عنوان مکمل طب جدید شناخته شد و امروزه آن را به عنوان جایگزین درمانی برای بیماری‌ها قلمداد می‌کنند. اگر ضرورتاً معرفت قدیم ناقص‌تر از معرفت جدید بود، نمی‌بایست به چنین نتایجی در علم پزشکی دست می‌یافتیم.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- در علم فیزیک، همان طور که گادامر می گوید، رفت و برگشت وجود داشته و همواره به سمت جلو حرکت نکرده است. در بعضی زمینه‌های فلسفی نیز نئوکلاسیک‌ها به زنده کردن نظریات گذشتگان پرداخته‌اند. نمونه‌هایی از این دست نشان می‌دهد که معرفت ضرورتاً حرکتی تکاملی - آن گونه که نظریه ادعا می‌کند - نداشته است.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- همان طور که در قبل گفتیم، برخی عبارات نظریه قبض و بسط با تعابیر گادامر سازگار است. این تعابیر که به بحث ما هم مرتبط می باشد، در حوزه استظهارات است. اگرچه نظریه در این حوزه نیز با تردید مواجه است؛ اما در جایی همان تعابیر گادامر را به کار می گیرد و می گوید: «لفظ آستن معانی نیست؛ گرسنه‌ی معنا است. ما معنا را در حلق لفظ می گذاریم، نه این که لفظ معنا را بزاید.» گویا لفظ یک ظرف خالی است که هر کس هر طور بخواهد معنا را در آن می ریزد.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- دین که در نظریه به کتاب و سنت تفسیر می‌شود، از جمله الفاظ است و تحت همان قانون قرار می‌گیرد. بر اساس نظریه، هر قدر معنایی را که در حلق الفاظ کتاب و سنت می‌ریزیم، روزآمدتر و نزدیک‌تر به واقعیت باشد، بهتر است.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- بدیهی است حتی اگر اشکالات گذشته را بر ارکان نظریه بپذیریم - یعنی قایل باشیم بین تمامی علوم ارتباط نیست و ضرورتاً فهم آیندگان بهتر از فهم گذشتگان نیست - و در عین حال قبول کنیم که الفاظ ظرفی خالی از معنا هستند و معنای هر لفظ آن چیزی است که مخاطب در آن لفظ قرار می‌دهد، باز جا دارد در مورد این مطلب به بحث بنشینیم که چه معنایی برای لفظ بهتر است؟ آیا معنایی که گذشتگان به لفظ می‌دادند بهتر از معنایی است که ما به لفظ می‌دهیم؟ یا به عکس معنایی که ما می‌دهیم بهتر است؟

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- بنابراین ابتدا باید در مورد صحت و سقم اصل این دیدگاه بحث نماییم. سپس در صورت صحت آن، به ادعای مذکور، یعنی بهتر بودن معنایی که امروزه در دهان الفاظ می‌ریزیم، بپردازیم.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- اگر الفاظ را خالی از معنا بدانیم، اضافه بر این که بین الفاظ مهمل و مستعمل فرقی وجود ندارد، فرایند فهم و انتقال معنا نیز مختل می‌شود. هر لفظی که متکلم بر دهان جاری می‌سازد، از آنجا که بنا بر ادعا خالی از معنا است، مفهومی را به مخاطب منتقل نمی‌کند. متکلم هر چه قدر تلاش نماید، نمی‌تواند مکنونات ذهنی خویش را به مخاطب بفهماند. این مخاطب است که هر معنایی را که بخواهد در قالب الفاظ مذکور می‌ریزد.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- پس اگر مفاهیم‌های صورت می‌گیرد - که به قضاوت وجدان چنین است - به علت آن است که الفاظ، معنا دارند و ظرفی خالی نیستند و همان طور که در بحث‌های معرفت شناسانه روشن شده، مهم‌ترین معیار برای ارزیابی معارف، وجدان بشر است. بنا بر آنچه در مبنای اول از مبادی دلالتی مشترک نیز بیان نمودیم، هر لفظی دارای معنایی است که متکلم آن را اراده کرده است و استظهار نتیجه‌ی ارتباطی است که لفظ با معنا دارد و ادعای نظریه دقیقاً با همان اشکالاتی روبه‌رو است که در نظریه‌ی گادامر بیان نمودیم.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- لازم به ذکر است که نزدیک-ترین رأی در بین آرای متکلمان مسلمان به نظر گادامر - و به تبع نظریه قبض و بسط - رأی اشاعره است که بطلان آن گذشت. در تصویب اشعری، حکمی که مجتهد استنباط می‌کند، حکم خدا است و خداوند، حکمی جز آن ندارد.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- فرق این رأی با رأی گادامر در محدودیت آن است. اشاعره استنباط فقیه را حجت می‌دانند نه هر کس دیگر را. معیار فهم در نزد آنان فهم فقیه است و حوزه‌ی استنباط نیز احکام شرعی است.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- در حالی که در رأی گادامر اولاً هر کسی می‌تواند از لفظ هر معنایی را بفهمد و ثانیاً این الفاظ محدود به احکام شرعی نیستند. البته همان طور که در رأی گادامر گذشت، بحث گادامر فقط در حیطه‌ی الفاظ نیست. در نظر وی نقاشی، نرم افزار و... و هر اثر دیگری، همچون لفظ، با مخاطبان مختلف، تفسیرهای مختلفی دارد.